**طرح سریال عروسکی**

قصه های روستا

**نوشته: عدالت فرزانه**

**برای گروه سنی کودک**

**طبقه : ب**

**26 قسمت 20 دقیقه ای**

**مرکز اردبیل**

**بهار1399**

**مقدمه:**

خیلی وقت ها ممکن است فکر کنید زندگی شهری بسیار بهتر از زندگی کردن در روستا است. اما زندگی شهری و روستایی هرکدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. البته زندگی کردن در شهر بسیار راحتتر است، بچه هایی که در شهر زندگی میکنند میتوانند از تحصیلات خوبی بهره مند شوند زیرا مدرسه های شهر بسیار بهتر از مدارس روستایی است. ازاینرو افراد میتوانند زندگی راحت و لذت بخشی در شهر داشته باشند. اما بااینکه زندگی کردن در شهر مزایای بسیاری دارد، معایبی نیز متوجه آن است.. شهر همیشه شلوغ و پرسروصدا است. وسایل نقلیه و آدمهای بسیاری در آن در حال رفت وآمد هستند. خیابانها کثیف و شلوغ است. به همین علت داشتن یک زندگی سالم در شهر بسیار مشکل است.

از طرف دیگر، زندگی روستایی مزایای مختلفی دارد. اصلیترین آن این است که مردم روستا با اتحاد و آرامش زندگی میکنند. چون جامعه کوچکتری دارند، دوستان بیشتری دارند. مردم روستایی معمولاً تلاش میکنند از عادات و فرهنگشان محافظت کنند. روستا هوای تمیز و محیطی زیبا دارد و در آن خبری از سروصدا و شلوغی نیست، به همین علت آلودگی آن کمتر است. روستاییان میتوانند از سبزیجات و میوههای تازه استفاده کنند. محیط روستا لذتبخش و آرام با مناظری فوق العاده زیبا است. دراین طرح سعی شده بچه امروزی که درشهر سکونت دارد را از محل زندگی خود جدا کرده وبه روستا در دل طبیعت ببریم وبا زیبائی های زندگی روستایی آشنایی بیشتری پیدا کرده و دیدگاه تازه ای نسبت به سنتها وطبیعت علقه بیشتری پیدا کند ..

کلیات طرح :

درمجموعه عروسکی " قصه های روستا " پدر ومادر یاشار بخاطر ماموریت کاری مجبور شده اند یاشار را به روستا برده و به پدر بزرگش بسپارند . یاشار اولین بار است از فضای شهر به روستا آمده و ازاینکه نه کامپیوتری برای بازی وجود دارد و نه امکانات بازی دیگر ناراحت است و کلا از فضای روستا خوشش نمی آید به همین خاطر بی حوصلگی می کند. پدر بزرگ مجبور است اورا همراه خود به مزرعه ببرد ، یاشار متوجه گربه ای می شود که می خواهد از لانه گنجشک که زیر کلاه مترسک است بچه های گنجشک را بردارد برای همین به کمک بچه گنجشک ها رفته و آنها را ازچنگال گربه نجات می دهد بدین گونه یاشار درگیرقصه های حیوانات مزرعه شده وبا آنها ارتباط برقرار می کند تا جائی که درقسمت های پایانی مجموعه پدرومادریاشار برای بردنش به روستا آمده اند اما دلبستگی او از روستا وحیوانات مزرعه رفتن به شهر را برای او مشکل کرده است .

مجموعه در 26 قسمت 20 دقیقه ای در گروه سنی کودک طراحی شده و اهداف آموزشی ، سرگرمی را دنبال کرده و به زبان فارسی به همراه شعر و سرودهای موزیکال طراحی شده است درکل تلاش مضاعف دراین مجموعه برای بهره برداری از المانهای بومی منطقه است بعنوان مثال در موسیقی ها و سرودها و اشعار کودکانه از سازهای آذری استفاده شده و بلاخص هنگام طراحی دکور نهایت دقت صورت می پذیرد تا نمادهای استان از جمله دامنه های کوه سبلان و .. برجسته گردد

با عنایت به وجود گیاهان منطقه ای (از جمله گیاهان دارویی منطقه ای مثل پونه و بابونه..) و درگیر شدن این المانها با متن قصه ها و پوشش گیاهی ودرختان موجود محلی ومنطقه ای که قصه ها در آن جا اتفاق می افتد(درختان فندق- آلوچه وحشی- ازگیل...) معرفی میوه های وسبزی های خوردنی منطقه از جمله میوه های وحشی(آلوچه وسیب وحشی و ازگیل و تمشک...) اشاره به مناطق زیبای گردشگری منطقه و درگیر شدن این نامها با متن قصه( بابونه ها ودریاچه ها وآبهای گرم ) و اشاره به ساختار و تنوع حیات وحش منطقه از جمله منطقه ی فندقلو( خوک- خرس- گرگ وروباه- شغال-...) و با توجه به اینکه تقریبا در هر قسمت بخشی از کار موزیکال و به صورت شعر است پیشنهاد شده در ساختن آهنگهای مجموعه از ملودی های آذری و سازهای محلی واشعار کودکانه بابهره گیری از اساتید فن به نحو احسن استفاده خواهیم کرد .

ازطریق جلوه های ویژه سعی خواهیم کرد در مسائلی مانند طلوع وغروب آفتاب . بلایای طبیعی چون سیل .. رعد وبرق و... ورود کرده وبه جذابیت بیش از پیش کار بیافزائیم ..علاوه بردر نظر گرفتن ماهیت سرگرم کننده گی کار سعی می شود پیام اخلاقی و اجتماعی مناسب ضمن آموزش مهارتهای زندگی بصورت غیر مستقیم در لابه لای داستانهای مجموعه ارائه شود

در کل هدف از نگارش مجموعه ساخت برنامه ای است که بیشتر مناسب سن وحال وهوای کودکانه با فضای فانتزی کمک در ارائه مسائل آموزش دربستر تفریح و سرگرمی خصوصا آموزش مهارتهای زندگی به کودکان این دیار است . که ضمن ارائه قصه ها درقالب عروسکی جذاب ، مهارتهای زندگی را به کودکانمان آموزش دهیم که انشالله این مجموعه بتواند این فرهنگ را در زندگی بچه ها نهادینه سازد البته با یاری خدای مهربان ومساعدت شما عزیزان .

تشریح دکور:

خارجی:

**خانه پدربزرگ:** خانه ای با مصالحی از چوب و خشت و دیوار‌ها همه کاهگلی هستند با حیاطی بزرگ که دورتادور آنرا چپر کشیده است

**مزرعه وباغ پدربزرگ:** پراز گونه های گیاهی از جمله گلهای بابونه و انواع مختلف درختها از جمله فندق و آلوچه وسیب وحشی و ازگیل و تمشک ..

لانه گنجشکها : نمای بیرونی از محل زندگی گنجشکها که روی شاخه های درخت در باغ کشاورزی پدربزرگ که از [خار](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%A7%D8%B1) و [خاشاک](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AE%D8%A7%D8%B4%D8%A7%DA%A9&action=edit&redlink=1) و الیاف گیاهی، و گاهی از شاخه‌های کوچک درختان است.

لانه گربه : نمای بیرونی از محل زندگی گربه زیر سنگ بزرگ در باغ کشاورزی است که هرآن امکان ریزش آن وجود دارد .

داخلی :

خانه پدر بزرگ**:**  اتاق بزرگ با دیواره های کاهگلی که روی آن با قاب عکسهای خانوادگی، نقاشی های کودکانه تزئین شده است .

لانه گنجشکها**:** میز وصندلی که با شاخ وبرگها توسط گنجشکها طراحی شده است.

لانه گربه **:** دیوار آن با سنگهای ریز که روی هم انباشته شده و کف آن وسایل انسانی مثل جارو پر و .. که از اینطرف و آنطرف پیدا کرده وبه لانه اش آورده است .

شخصیت های مجموعه :

**یاشار**: پسربچه ای شیطان،بازیگوش،نترس، بامزه و ماجراجو که درمواقع خاص بدش نمی آید بدجنسی کند،اما روحیه اش به اواجازه چنین اجازه ای نمی دهد. بسیار شیرین زبان و بازیگوش است

**پدر بزرگ:** حرفه اش باغداری است. اهل صلح وصفاست. با همه حیوانات حتی شخصیت های بد داستان هم مهربان بوده و خیرخواه همه است. همه به نوعی پدربزرگ را دوست واقعی خود میدانند.

**گنجشک مادر** : خیلی مهربان ودلسوز و درعین حال اهل مطالعه که کارش پرستاری از تخم مورچه ها وکرمینه هاست و تمام روزهایش را در لانه می گذراند و تمام دغدغه اش در کنارخانواده، رسیدگی به تخم ها وکرمینه هاست تا مورچه های نوزاد سالم به دنیا بیایند.

**عینکی** : جوجه گنجشک ، عینکی ، کنجکاو ، و ماجراجو ، عاشق کشف و اکتشاف است .بیشتر مواقع یک ذره بین همراهش هست و همیشه راه حلهای عجیب وغریب ارائه میدهد.

**چاقالو** : جوجه گنجشک تنبل ، شکمو، ترسو ، همیشه بخاطر شکمو بودنش مشکل آفرین است.

**ملوسک:** جوجه گنجشک دختر ، مهربان و خوش قلب اما کمی ترسو که بخاطر این اخلاقش بیشتر مواقع کار دست بچه ها می دهد.

**سگ:** اهل قانون و نظم و نگهبان خانه وباغ وکل مجموعه است تلاش می کند حق به حقدار برسد اما ساده لوح و زود باور است ودربیشتر مواقع باکار ونقشه هایش باعث دردسرخودش ودوستانش میشود.

**گربه :** مغرور و عصبانی و پرخاشگر است و همیشه در تصمیم گیری ها عجول وبدون ملاحظه است. حقه باز و فریب کار که سعی در تحقیر همه دارد . همیشه درتصمیم گیری ها مردد است ونمی تواند به تنهایی تصمیم بگیرد مدعی است که مزرعه و هرآنچه در آن است ارثیه اجدادش است و همه حیوانات مزرعه باید برای لانه سازی از او اجازه می گرفتند به خیالش بسیار عاقل و قوی است. اما در حقیقت احمق ودست پاچلفتی است

موضوعات پیشنهادی : (مهارتهای زندگی)

دوری از خانه (که باعث بروز خطراتی برای بچه هاست)

تغذیه سالم (اجتناب از خوردن بعضی از غذاهای ضروری و عواقب جسمانی آن)

مسئولیت پذیری(ایجاد موقعیت مسئولیت پذیری برای بچه ها)

شجاعت(نشان دادن نتایج شجاعت در کارها)

دقت در انتخاب دوست ( نتایج و عواقب انتخاب دوست خوب یا بد)

عجله(نشان دادن عواقب عجله)

کمک به ضعیفان(ایجاد روحیه ی انسان دوستی ودیگر دوستی با کمک به ضعیفان)

اهمیت سفر ( نتایج و تجربه هایی که از سفر بدست می آید)

کنجکاوی ( عواقب و نتایج کنجکاوی)

انتقام ( نتایج بد انتقام در روحیات ورفتار ما )

اتکا به توان خود (درمقابل شایعات وجنگ روانی دشمن )

قناعت (آینده نگری)

صرفه جویی (پرهیز از اسراف)

گذشت(نشان دادن نتایج زیبا وارزشمند گذشت)

کار و تلاش (نتایج کار و تلاش در زندگی )

رفاقت و دوستی (نتایج مثبت و اهمیت رفاقت واحتیاج به دوست در سختی های زندگی)

قانون(احترام به حقوق دیگران با رعایت قانون ونشان دادن ضروت آن در جامعه)

همدلی ( نشان دادن نتایج مثبت همدلی در زندگی اجتماعی )

برنامه ریزی(آسان شدن وپیشرف سریع و صحیح کارها با با برنامه ریزی)

ترس (آثار زیانبار ترس در زندگی)

تنبلی(نشان دادن گسستگی وسخت شدن زندگی هنگام تنبلی )

بهداشت(بهداشت فردی موثر در بهداشت عمومی)

موجودات خیالی(ایجاد آگاهی از واقعیت موجود خیالی و تصورات غلط)

شایعه(قبول کردن چیزی بدون تحقیق وعواقب شایعه ونقش دشمن در پراکندن شایعه)

اعتدال(جلو گیری از افراط و تفریط و ضایعات این دو مقوله وترویج اعتدال)

صبوری (نشان دادن نتیجه صبرو تحمل مشکلات پیش آمده )

سئوال کردن( پرداخت به مثل پرسیدن عیب نیست ندانستن عیب است)

**نمونه ای از خلاصه قسمت ها:**

**قسمت اول : تولد**

پدر ومادر یاشار بخاطر ماموریت کاری مجبور شده اند یاشار را به روستا برده و به پدر بزرگش بسپارند . یاشار اولین بار است از فضای شهر به روستا آمده و ازاینکه نه کامپیوتری برای بازی وجود دارد و نه امکانات بازی دیگر ناراحت است و کلا از فضای روستا خوشش نمی آید به همین خاطر بی حوصلگی می کند. پدر بزرگ مجبور است اورا همراه خود به مزرعه ببرد ، یاشار متوجه گربه ای می شود که می خواهد از لانه گنجشک که زیر کلاه مترسک است بچه های گنجشک را بردارد برای همین به کمک بچه گنجشک ها رفته و آنها را ازچنگال گربه نجات می دهد گنجشک مادر برای بچه گنجشکها غذا آورده و از یاشار که مانع خورده شدن بچه هایش توسط گربه شده تشکر می کند اما مشکل اینجاست اثری ازآخرین تخم گنجشک که هنوز به جوجه تبدیل نشده نیست .. یاشار همراه سگ مزرعه دنبال گربه که تخم را به لانه اش برده ومی خواهد نوش جان کند رفته و اورا ازاین کار بازمی دارد دقیقا لحظه ای که یاشار تخم گنجشک را آورده و می خواهد به او پس بدهد تخم شکسته وجوجه خوشگلی از آن در می آید بچه گنجشک های دیگر خوشحالی کرده و یاشار از پدر بزرگ می خواهد برای جوجه تازه متولد شده اسمی انتخاب کند .

**قسمت دوم: حسادت**

یاشار همراه پدر بزرگ برای جوجه­ تازه متولد شده آب و غذا میریزد و بچه گنجشکهای دیگر حسادت میکنند که چرا یاشار فقط نارین را دوست دارد برای همین درصدد بیرون کردن جوجه تازه متولد شده برمی آیند . وقتی گنجشک مادر متوجه این قضیه می شود که جوجه گم شده است در این بین گربه هم وارد ماجرا میشود حتی سگ مزرعه را هم گول می زند تا از آب گِل­آلود ماهی بگیرد و بتواند غذایی به دست بیاورد جوجه را بین علوفه هاتنها گیر میاورد اما قبل از اینکه بتواند آسیبی به او بزند یاشار از راه رسیده و با کمک پدر بزرگ به کمک او می آید گربه فرار می کند وسگ پی به سادگی خود می برد وشرمنده از مادرگنجشک که تازه با دیگر جوجه هایش به آنجا رسیده است ..با پیوستن جوجه نجات یافته بقیه جوجه ها نیز از حسادت خود پشیمان می شوند .

**قسمت سوم : سایه**

سگ مزرعه به یاشار خبر می دهد که گربه درصدد حمله شبانه به لانه گنجشک هاست ازاینرو یاشار همراه پدربزرگش با فانوس هایی که برداشته سر مزرعه می آیند برای کمک به جوجه ها اما جوجه ها همراه مادرشان در لانه با دیدن سایه هایی که بر اثر نور فانوس ها در مزرعه افتاده میترسند و فکر میکند هیولایی به آنها حمله کرده اند .از بالای درخت می افتند یاشار وپدر بزرگ آمده و به آنها کمک می کنند و به لانه شان برمی گردانند و پدر بزرگ آنها را با مفهوم سایه آشنا میکند اما این درست لحظه ای است که گربه با نقشه ای از قبل طراحی شده درصدد حمله به لانه جوجه هاست ازاینرو یاشار با جوجه ها می خواهند از همین طریق سایه ها ، گربه را که از فرصت استفاده کرده و سعی در شکار شان دارد بترسانند، و این کار را می کنند و گربه از سایۀ جوجه ها که ازنور فانوس یاشار بوجود آمده ترسیده وفرار می کند .

**قسمت چهارم : خواب**

یاشار خواب می­بیند که مترسک و سگ میخواهند نارین را به گربه بدهند و یاشار نمیگذارد. از خواب بیدار شده و پیش مترسک می رود تا ببیند قضیه از چه قرار است که گریه جوجه ها را می بیند که دنبال جوجه گم شده می گردند او خواب خود را به مادر گنجشکها تعریف کرده و اورا از نقشه گربه که با سگ مترسک را گول زده و جوجه را دزدیده اند می گوید . مادر وگنجشک ها از مترسک ناراحت شده و یاشار با سگ در گیر می شود و هرچه مترسک وسگ از بی گناهیشان می گویند کسی باور نمی کند سگ در راه بازگشت به خانه جوجه گنجشک را می بیند که به طرف رودخانه می رود و گربه در کمینش است اورا نجات داده و بر می گرداند همه خوشحال می شوند اما مترسک از دست مادر گنجشکها که بخاطر خواب یاشار آنها را گناهکار می دانست ناراحت است پدر بزرگ خیالات وخواب یاشار را با واقعیت مغایر دانسته و توضیح می دهد که هیچ خوابی واقعیت ندارد یاشار نادم است و از مترسک وسگ معذرت خواهی می کند